



A Content Analysis on the Conceptual Framework of “God's Power” in the Holy Qur’an

Fazele MirGhafourian¹
Hassan Bashir²

DOI: 10.22051/TQH.2021.34372.3067

Received: 13/12/2020

Accepted: 01/03/2021

Abstract

The present inquiry aims to explore and analyze the conceptual framework of the "power" of God in the Holy Qur'an. To achieve the aim, it employs the method of content analysis in both qualitative and quantitative terms. It focuses on the equivalents of the concept of God's power in the Holy Qur'an including Al-'Azīz (The Exalted), Al-Qādir (The All-Mighty), al-Qawī (The All-Powerful), and Al-Qāhir (The Dominator). Then, analyzing and decoding the words, it prepares a frequency distribution of individual words, and draws a word graph for visual analysis of the frequent usage of the words in the Holy Qur'an. The findings show that each of the Qur'anic equivalents covers an aspect of the concept of God's power. Al-'Azīz shows God as the One whose power is overwhelming and nothing is ever capable of overcoming or interfering with His wills. The concept of Al-Qādir represents that God has the power to will anything. The attribute of al-Qawī shows He can do whatever He wills easily beyond our imagination. And finally, the concept of Al-Qāhir is God's attribute as the dominator Who has absolute control over everything He has created. The final point is that the two words of Al-'Azīz and Al-Qādir have the most frequency in the Holy Qur'an and therefore are known as the key concepts, while the two other words of al-Qawī and Al-Qāhir are the supplement concepts for the power of God in general.

Keywords: *Conceptual Framework, God's Power, Holy Qur'an.*

¹. Professor, Department of Islamic Teachings, Imam Sadeq University, Iran. (The Corresponding Author) mirghafoorian@isu.ac.ir

². Professor, Department of Islamic Teachings, Imam Sadeq University, Iran. bashir@isu.ac.ir



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)

سال هجدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، پیاپی ۵۱

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۸۱-۲۲۰

تحلیل شبکه مفهومی «قدرت خداوند» در قرآن کریم

فاضله میرغفوریان^۱

حسن بشیر^۲

DOI:10.22051/TQH.2021.34372.3067

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل شبکه مفهومی «قدرت» خداوند متعال در قرآن کریم صورت گرفته است. در این پژوهش که به روش تحلیل محتوای کمی و کیفی (ترکیبی) انجام شده است؛ واژگان مرتبط با قدرت خداوند متعال در آیات قرآن کریم مورد مطالعه قرار گرفت و چهار واژه عزت، قدرت، قوت و قاهریت به دست آمد و با تحلیل آیات مرتبط کدها و مقولات هر یک از واژگان چهارگانه استخراج شد و فراوانی هر یک از مقولات مشخص گردیده و به صورت نمودار ترسیم شد. هر کدام از این چهار واژه اصلی بخشی از معنای قدرت خداوند سبحان را پوشش می دهد. مفهوم عزت بر نفوذنا پذیری و عدم امکان دخالت موجود دیگر در تحقق اراده

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه امام صادق(ع) پردیس خواهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mirghafoorian@isu.ac.ir

۲. استاد دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. bashir@isu.ac.ir

خداوند متعال، مفهوم قدرت بر توانایی و اختیار مطلق در تحقق بخشیدن به اراده و مجبور نبودن بر انجام کاری، مفهوم قوت بر سهولت انجام هر کار برای او و داشتن قدرت مافوق تصور و مفهوم قاهریت بر غلبه کامل بر همه مخلوقات و عدم امکان خارج شدن هیچ موجودی از سلطه او دلالت دارد. نکته دیگر آن که دو مفهوم عزت و قدرت با بیشترین فراوانی به عنوان دو مفهوم کلیدی و دو مفهوم قوت و قاهریت به عنوان دو مفهوم مکمل برای مفهوم کلی قدرت به حساب می‌آید.

واژه‌های کلیدی:

شبکه مفهومی، قدرت خداوند، قرآن کریم.

مقدمه و طرح مسئله

یکی از مباحث مورد توجه قرآن کریم و همچنین متکلمان مسلمان توحید خداوند متعال است. اگرچه که این موضوع به عنوان یک بحث کانونی و اصلی در آیات و مباحث متکلمان خودنمایی می‌کند اما باید به این مسئله توجه داشت که روش طرح آن در قرآن و علم کلام کاملاً متفاوت است.

دانشمندان علم کلام اسلامی در آموزش و تعلیم ابعاد توحید، ابتدا از توحید ذات آغاز می‌کنند، پس از آن به بیان صفات سلبی و ثبوتی و توضیح اقسام و گستردگی و اطلاق آنها پرداخته و برای دفع توهم ازدیاد آنها بر ذات الهی و یا دفع مغایرت مصداقی صفات از یکدیگر، به توضیح عینیت ذات و صفات و وحدت صفات می‌پردازند؛ پس از آن به توضیح توحید افعالی و رابطه تمام اسباب و مسببات را با فعل الهی توضیح می‌دهند و با استفاده از بحث صفات فعلی و ذات، میان برخی از این افعال و صفات تفاوت‌هایی

مطرح می‌کنند و در نهایت به موضوع توحید پرستش و اطاعت می‌پردازند (بهجت‌پور، ۱۳۸۹، ص ۸۱).

در این روش که کاملاً با هدف علم کلام منطبق است؛ یک مجموعه ساختارمند از دانش توحیدی در اختیار علاقه‌مندان به این مباحث قرار می‌گیرد. اما در مورد قرآن کریم از آن جهت که هدف این کتاب الهی مبتنی بر عبودیت و تربیت انسان‌های موحد و تسلیم اوامر الهی است و در آیه ۵۶ سوره ذاریات بر آن تصریح می‌فرماید؛ لذا با روش و اسلوبی خاص و ویژه به طرح بحث توحید می‌پردازد و آن عبارت از معرفی و تبیین اسما الهی به همراه کاربست آن برای جهت‌دهی زندگی انسان به سوی سعادت و فلاح است.

یکی از مباحث مورد توجه در قرآن، تبیین مفهوم قدرت و مفاهیم وابسته به آن است. تمرکز این مفهوم در قرآن بر خداوند به عنوان قدرت مطلقه در هستی و نفی قدرت‌های در عرض است و تبیین نسبت قدرت خداوند با قدرت سایر موجودات به‌ویژه انسان به‌عنوان قدرت‌های در طول به هدف سامان دادن و جهت‌بخشی به تفکر و در نتیجه رفتار انسان‌هاست. بدین ترتیب واژه‌ای مانند رکوع از خم شدن در برابر قدرت یا شیئی به خم شدن در برابر قدرت لایزال الهی ترفیع یافته و در زمره آداب عبادی قرار گرفته است (لطفی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲).

قدرت خداوند در قرآن دارای یک شبکه مفهومی است که از چهار واژه عزت، قدرت، قوت و قاهریت تشکیل می‌شود. ویژگی مهم این چهار واژه آن است که تنها بر معنای قدرت دلالت می‌کنند؛ برخلاف برخی دیگر از واژگان مانند سلطان، یمین، یدداشتن که تنها یکی از وجوه معنایی آنان قدرت است و در قرآن از آنها برای سایر وجوه معنایی نیز استفاده شده است. در پژوهش حاضر چهار واژه ناظر بر قدرت در قرآن و مقوله‌های مرتبط با آن مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

بخشی از مقالات بر موضوع قدرت نرم و نفوذ و تغییر در دل‌ها و معرفی انواع منابع این نوع از قدرت و جلوه‌های آن می‌باشد و بخش دیگر متمرکز بر مباحث مرتبط با قدرت سیاسی در قرآن می‌باشد که به دلیل عدم ارتباط مستقیم این مقالات با پژوهش حاضر از ذکر آنان صرف نظر شد. مقاله «قدرت مطلق خداوند از منظر قرآن و روایات» (۱۳۹۴) از علی اکبر شایسته‌نژاد تنها مقاله‌ای است که به موضوع قدرت در قرآن به طور کلی پرداخته است. البته تمرکز مباحث در این مقاله بر بررسی آراء متکلمان در بحث قدرت خداوند و پاسخ به شبهات مرتبط با آن با بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات می‌باشد.

در این پژوهش تلاش شده است تا با بررسی چهار مفهوم عزت، قدرت، قوت و قاهریت بر اساس آیات قرآن یک شبکه مفهومی از مفهوم کلان قدرت خداوند ارائه شود.

روش تحقیق

روش استفاده شده در این مقاله، روش «تحلیل محتوا»^۱ است، که روشی علمی-کاربردی برای تفسیر عینی «متن»^۲ است (ر.ک: فیروزان، ۱۳۶۰؛ کریپیندورف، ۱۳۷۸). در این پژوهش تحلیل محتوا به صورت ترکیبی کمی-کیفی^۳ (تشکری و تدلی، ۲۰۰۳، ص ۴) استفاده شده است. یکی از امتیازات مهم روش ترکیبی این است که طی فرآیند پژوهش محقق از فواید و آثار مطلوب هر دو روش بهره می‌برد به این معنا که از ویژگی‌های عینی بودن و دقت و خالی بودن از سوگیری‌های شخصی در روش کمی و از تعمق در متن و فراتر رفتن از ظاهر واژگان و عبارات به معنای حقیقی آنها و پررنگ‌تر شدن نقش محقق و دخیل شدن قدرت استنباط و اجتهاد وی در روش کیفی بهره می‌برد. به‌ویژه در زمانی که

^۱ Content Analysis

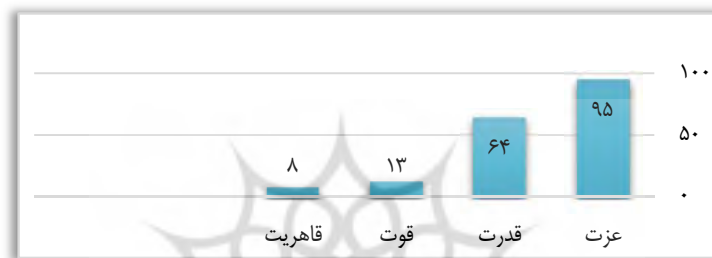
^۲ Text

^۳ Mixed Methods Research

پژوهش کیفی و کمی به موازات یکدیگر انجام شود (کرسول و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۱۴).

در بررسی و تحلیل محتوای آیات مرتبط با قدرت خداوند چهار مفهوم اصلی شناسایی شد. که به ترتیب فراوانی عبارتند از: عزت، قدرت، قوت و قاهریت که مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نمودار ۱: فراوانی مفاهیم اصلی مرتبط با قدرت خداوند



به منظور تحلیل محتوای کیفی و کمی، هر دسته از آیات مرتبط با یکی از چهار مفهوم قدرت را در یک جدول مجزا قرار دادیم و بدین ترتیب چهار جدول با اطلاعات ذیل دست آمد. سپس با استفاده از کدها و مقوله‌های به دست آمده از هر آیه به تحلیل محتوای آیات پرداخته شد.

جدول ۱: تحلیل محتوای کیفی و کمی آیات

مقوله‌ها	کدها	واژگان کلیدی	آدرس آیه	متن آیه	ردیف
----------	------	--------------	----------	---------	------

۱. تحلیل واژگان مرتبط با مفهوم «عزت» در قرآن کریم

۱-۱. بررسی مفهومی واژه «عزت»

صاحب مقایسه، برای عزز یک اصل صحیح قائل و به معنای غلبه و قهر شدید و «قوی» و «عزیز» کسی است که نمی‌توان بر آن دست یافت (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۸). راغب در مفردات، عزت را حالتی می‌داند که مانع از مغلوب شدن می‌شود و «ارض عزاز» را به زمین سخت و غیرقابل نفوذ معنا می‌کند (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۶۳). صاحب العین، «العزاء» را سال شدید و سخت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷۶) و فیروزآبادی «تعزز» را قوت بعد از ذلت و «العز» را باران شدید می‌داند (فیروزآبادی، ج ۲، ص ۹۲). صاحب لسان العرب، «عز» را خلاف «ذل» و «العزاء» را «الشد» می‌داند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۷۴). در مجموع از نظرات لغویون استنباط می‌شود که در معنای عزت دو مفهوم «مغلوب نشدن» و «شدت» وجود دارد که نتیجه آن «نفوذناپذیری مطلق» است.

در قرآن ریشه «عزز» ۱۱۹ بار که ۹۵ بار آن در مورد خداوند در سه شکل کاربردی «عزیز» ۸۸ مرتبه، «عزّه» ۶ مرتبه و «تعزز» ۱ مرتبه تکرار شده است. بیشترین کاربرد برای عزت خداوند واژه عزیز می‌باشد که بر کثرت و دوام پایدار این صفت در خداوند دلالت می‌کند. از میان ۸۸ بار تکرار واژه «عزیز» در قرآن، در «۴۹ مرتبه واژه حکیم با آن همراه شده است. این همراهی دو مفهوم عزت و حکمت با یکدیگر معنادار است. حکم در لغت به معنای منع است و حکم منع از ظلم و حکمت منع از جهل است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۱) منعی که به جهت اصلاح انجام شود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۴۸). بنابراین همراه شدن حکمت با عزت به این معناست که خداوند عزیزی است که هیچ کس نمی‌تواند در تحقق اراده‌اش خللی وارد سازد اما همان اراده کاملاً مبتنی بر حکمت و مصلحت مخلوقات است.

۱-۲. تحلیل محتوای کیفی آیات مرتبط با مفهوم «عزت»

پس از بررسی کدهای داده شده به هر یک از آیات مرتبط با مفهوم عزت، کدهای مشترک تحت یک مقوله قرار گرفتند و ۷ مقوله حمایت از مؤمنان، خذلان کفار و گنهکاران،

هدایت تشریحی، خلقت و تدبیر هستی، توحید در ذات، اختیار مطلق الهی و معاد به شرح ذیل حاصل شد:

۱-۲-۱. حمایت خداوند از مؤمنان

خداوند متعال با عزت خود از مؤمنان حمایت می‌فرماید این حمایت در قالب نصرت و یاری آنان و یا نجاتشان در هنگامه عذاب استیصال می‌باشد.

۱-۲-۱-۱. نصرت و نجات

یکی از مصادیق عزت مطلق خداوند نصرت جبهه حق و حق‌مداران در دنیا و آخرت است. در آیات ۴۱ و ۴۲ سوره دخان خداوند هرگونه یاری را در قیامت نفی فرموده و تنها کسانی را مشمول آن می‌داند که به اراده او مورد رحمت الهی قرار گیرند و به دلیل عزیز بودن خداوند هیچ موجودی نمی‌تواند این قاعده حاکم بر آخرت را برهم‌زند و یا در آن تصرفی نماید. همان‌گونه که در دنیا نیز اراده الهی به این تعلق گرفته است که دین خود، پیامبران (حدید: ۲۵)، مؤمنان (روم: ۵۴) و یاورانش (حج: ۴۰) را بدون نیاز به موجود دیگری، یاری فرماید و در این اراده کسی نمی‌تواند تأثیری بگذارد. چنانکه در زمانی که مشرکان مکه توطئه قتل پیامبر اکرم (ص) را در سر می‌پروراندند او را به تنهایی یاری فرمود (توبه: ۴۰) و اسباب پناه گرفتن ایشان در غار و هجرت به مدینه را فراهم آورد و در جنگ بدر با وجود قلت عدّه و عدّه تازه مسلمانان، اراده نمود تا آنان پیروز صحنه نبرد باشند (انفال: ۱۰).

مصدق دیگر تحقق اراده‌اش در نجات پیامبران و مؤمنان در مواجهه با کفار بدون امکان هیچ تصرفی از جانب موجودی دیگر است. از نمونه‌های آن می‌توان از نجات حضرت عیسی (ع) از چنگ یهودیانی که تمام عزم خود را بر کشتن ایشان بکار بردند، یاد کرد. اما از آنجا که خداوند اراده نمود وی زنده بماند او را به آسمان‌ها بالا برد (نساء: ۱۵۷ و ۱۵۸). همچنین نجات سایر پیامبران مانند نوح (ع) (شعراء: ۱۱۹ تا ۱۲۲)، لوط (ع)

(شعراء: ۱۶۹ تا ۱۷۵) و موسی (ع) (شعراء: ۶۵ تا ۶۸) و مؤمنان همراه آنان دقیقاً در لحظه عذاب کافران نمونه دیگر است.

۱-۲-۱-۲. پاداش و اجابت دعا

خداوند به مؤمنان در دنیا و آخرت پاداش می‌دهد و هیچ مانعی نمی‌تواند در آن خللی وارد سازد. در آیات ۱۸ و ۱۹ سوره فتح خداوند از عزتش در پاداش دادن به مؤمنان در دنیا سخن می‌گوید که در رضایت از آنها، انزال سکینه، فتح قریب و غنیمت‌های بی‌شمار تجسم می‌یابد. همچنین خداوند بر نفوذناپذیری اراده‌اش در پاداش دادن به زنان و مردانی که ایمان و عمل صالح، امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز، ایتاء زکاه و اطاعت از خدا و رسولش داشته باشند و به آنان نوید می‌دهد که وعده‌اش تحقق و به حیات جاودانه دست خواهند یافت (توبه: ۷۱-۷۲) و علاوه بر مؤمنان، پدران، همسران و فرزندان صالح آنها را نیز در بهشت به آنها ملحق می‌فرماید (غافر: ۸) حتی اگر اعمالشان پایین‌تر از اعمال پدران باشد (طور: ۲۱).

همچنین او دعای مؤمنان را بر اساس حکمت اجابت می‌کند و امکان دخالت هیچ موجودی در تحقق آن وجود ندارد. اعم از دعا‌های فردی و اجتماعی که توسط انبیاء و یا مؤمنان و ملائکه برای امور مادی یا معنوی به پیشگاه الهی عرضه شده‌اند. مانند دعای حضرت ابراهیم (ع) به همراه اسماعیل (ع) که در هنگام بازسازی خانه کعبه برای آیندگان خود و ارسال رسولی که آیات الهی را برای آنان تلاوت نماید و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد و مسیر تزکیه آنان را هموار سازد، می‌باشد (بقره: ۱۲۹). نمونه دیگر اجابت دعای ملائکه برای مؤمنان است که از خداوند تقاضا دارند به همراهشان پدران، همسران و فرزندان صالح آنان را وارد بهشت فرماید (غافر: ۸). نمونه دیگر دعای مؤمنین برای عدم سلطه کفار بر آنان و مغفرت آنان است (ممتحنه: ۵).

۱-۲-۲. خذلان کافران و گنهکاران

خدای سبحان در خذلان کافران و گنهکاران عزیز است آنان را در دنیا و آخرت مجازات نموده و غلبه نهایی بر آنان در دنیا نتیجه عزتمندی اوست.

۱-۲-۲-۱. مجازات دنیوی و اخروی کافران

خداوند برای خطاکاران مجازات دنیوی قرار داده است. به عنوان نمونه در قرآن قطع کردن دست مرد و زن سارق به عنوان مجازات این عمل بر شمرده است (مائده: ۳۸ و ۳۹) همچنین است خوردن مال یتیمان (بقره: ۲۲۰) و عدم توجه زن و شوهر به وظایف تشریحی خود در قبال یکدیگر (بقره: ۲۲۸). او در مجازات خطاکاران عزیز است هرگاه به اقتضای حکمتش مجازاتی برای عملی تشریح فرماید؛ در صورت نافرمانی از این حکم، خداوند به عجز در نمی آید (سبا: ۵).

اولاً این نافرمانی تحت علم او اتفاق افتاده و اوست که اراده نموده تا انسان‌ها اختیار داشته باشند و ثانیاً نشئه دیگری به نام آخرت وجود دارد که هیچ مفری از آن نیست و تنها حکم اوست (نمل: ۷۸). همچنین خداوند برای مکذبان نیز مجازات دنیوی در نظر گرفته و در سوره شعراء در خصوص انواع عذاب‌های استیصال نازل شده بر اقوام گذشته مانند قوم نوح، عاد، ثمود سخن می‌گوید و این که در این مجازات عزیز بوده و کسی را یارای ممانعت از آن نیست. البته هر نوع مجازات دنیوی و اخروی پس از اتمام حجت (شعراء آیات ۱۲۱ و ۱۲۲، ۱۳۹ و ۱۴۰، ۱۵۸ و ۱۵۹، ۱۷۴ و ۱۷۵، ۱۹۰ و ۱۹۱)، ارائه بینات (بقره: ۲۰۹)، نزول فرقان (آل عمران: ۴) و تبیین قانون (مائده: ۹۵) انجام می‌شود.

۱-۲-۲-۱. غلبه بر کافران

خداوند به پیامبران و مؤمنین وعده نابودی کفار را داده است (مجادله: ۲۱). این وعده تحقق خواهد یافت و هیچ موجودی نمی‌تواند از آن مانع شود (ابراهیم: ۴۷). البته اراده خداوند بر این تعلق گرفته که غلبه بر کفار و نصرت دین خدا به واسطه مؤمنان به وقوع

بیوندد(حج:۴۰). در هر حال جنود آسمان‌ها و زمین از آن خداست و می‌تواند منافقان و مشرکان را به سزای اعمالشان برساند(احزاب:۲۵) و در جهنم خالد گرداند(فتح:۷۶).

۱-۲-۳. هدایت تشریحی

عزت خداوند در هدایت تشریحی در قالب ارسل رسل و اراده بر انجام وظایف آنان و در اختیار گذاشتن ابزارهای هدایت نمودار می‌گردد.

۱-۲-۳-۱. ارسال رسل و انجام وظایف آنان

خداوند بر ارسال پیامبران (آل عمران:۳۳) و وحی به آنان (شوری:۳) به عنوان هادیان امت‌ها اراده نموده است و زمینه‌های لازم را برای تحقق آن فراهم می‌آورد. مانند داستان ولادت موسی(ع) و خطر کشته‌شدن او به دست فرعون در نوزادی و رشد وی در دامان دشمن خدا(قصص:۸) و یا داستان نذر همسر عمران و تولد مریم(س) و سپس ولادت عیسی(ع) از دوشیزه‌ای چون او(آل عمران:۴۵) که قرآن از آن به قصص حق نام می‌برد(آل عمران:۶۲). در این مسیر هیچ موجودی توان ایجاد مانع را ندارد هر چند که اکراه داشته باشد(صف:۹). چرا که او بر اساس قدرتش اراده خود را محقق می‌سازد(یوسف:۲۱).

علاوه بر عزیز بودن خداوند در اصل ارسل رسل، اراده الهی بر این است که انبیاء را در انجام وظایف محوله یاری دهد(مجادله:۲۱). این وظایف عبارتند از تلاوت آیات الهی، تعلیم محتوای کتاب آسمانی و تعلیم نحوه عملی‌سازی محتوای کتاب و تزکیه(بقره:۱۲۹) همچنین انداز کردن همه مردم به عذاب در صورت نافرمانی و بشارت‌دادن مؤمنان به نعمت و پاداش(نساء:۱۶۵) تا بدین وسیله مردم را از ظلمات به نور هدایت کنند(ابراهیم:۱). اگر کسی بخواهد در انجام این وظایف خللی وارد نماید؛ خداوند توطئه‌ها را خنثی نموده و آیاتش را استحکام می‌بخشد(حج:۵۲).

۱-۲-۳-۲. ابزارهای هدایت

خداوند همه ابزارهای هدایت را در اختیار هادیان قرار می‌دهد تا در انجام مأموریت خویش موفق باشند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای هدایتی، نزول کتاب همراه حکمت (زمر: ۱) متشکل از عقائد و عبودیت عملی خداوند است. کتابی که محتوایش حق است (سبا: ۶) و هر قدر تحریف کنندگان آن تلاش نمایند که در الفاظ یا معانی کتاب خللی ایجاد کنند، همواره انسان دارای فطرت سالم می‌تواند صراط مستقیم را از میان آن بیابد. چرا که ذکر را او نازل فرموده و حافظ آن نیز هست (حجر: ۹). یکی دیگر از ابزارهای هدایتی، بینات و معجزات همراه پیامبران است تا بر ایمان مؤمنان افزوده و حجت بر مکذبان تمام شود. هر چند که گروهی نسبت به صحت این معجزات، در دل مردم تردید ایجاد کنند. مانند تهمت سحر که فرعون پس از مشاهده معجزه به موسی (ع) زد (شعراء: ۳۴) و یا مشرکان عصر پیامبر (ص) در مورد قرآن به او زدند (یونس: ۲). اما نهایتاً توطئه دشمنان خنثی و انسان‌های پاک فطرت به حقانیت آنها پی می‌برند.

۱-۲-۴. خلقت و تدبیر هستی

او در خلقت و تدبیر هستی نیز عزیز است. در بی‌نهایت بودن خلقت و تنوع مخلوقات و تدبیر امور آنان این عزتمندی نمایان است.

۱-۲-۴-۱. بی‌نهایت بودن و تنوع مخلوقات

خداوند خالق و فاطر آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنها و بین آنهاست و در این خلقت هیچ موجودی نمی‌تواند دخالت نماید و یا مانعی ایجاد کند امری که حتی مشرکان مکه نیز به آن اذعان و اقرار داشتند (زخرف: ۹). آنچه در بحث نفوذناپذیری خداوند در هستی مورد توجه قرآن است؛ کمیت و کیفیت مخلوقات می‌باشد. به این معنا که به دلیل بی‌نهایت بودن خود او آنچه از او صادر می‌شود نیز بی‌نهایت است و هیچ موجودی توان آن را ندارد که به کلمات الله یعنی هر آنچه تحت علم و قدرت اوست حدی بزند (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۹،

ص ۱۹۴) و آن را متوقف سازد (لقمان: ۲۷). همچنین این مخلوقات از جمله نوع انسان دارای تنوع بی نظیری می باشند که نتیجه تفکر در این تنوع درک مقام عظمت و خشیت از اوست (فاطر: ۲۷ و ۲۸).

۱-۲-۴-۲. تدبیر در هستی

خداوند علاوه بر آن که خالق هستی است؛ مدبر عزیز آن نیز هست که به دلیل علم منحصر به فردش به غیب و شهادت نظام هستی را تدبیر می نماید (سجده: ۵ و ۶) و هیچ موجودی نمی تواند در تنظیم این تدبیر دخالتی نماید و تغییری در آن ایجاد نماید. بر اساس این برنامه ریزی هر یک از مخلوقات وظایف مخصوص به خود نیز دارند. نمونه این تدبیر عبارت از شکافتن صبح، قراردادن آرامش در شب و... می باشد (انعام: ۹۶). همچنین خلقت متفاوت دو جنس مذکر و مونث در انسانها و سپردن مسئولیت های خاص مبتنی بر نوع خلقتشان به آنها (بقره: ۲۲۸). نکته مهم دیگر آن که این تدبیر کاملاً مبتنی بر قسط و حفظ توازن می باشد (آل عمران: ۱۸).

۱-۲-۵. توحید در ذات

خداوند متعال نه تنها در افعال که در ذات خود عزیز است او شریکی ندارد و پرستش غیر او نیز در محدوده علم و آگاهی قرار دارد.

۱-۲-۵-۱. شریک نداشتن

در عالم وجود کسی که شایستگی شراکت با خداوند را چه در الوهیت و چه در ربوبیت داشته باشد وجود ندارد به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) مأمور است تا به مشرکان بگوید آن شریکانی که برای خدا قرار می دهید به من معرفی کنید (سبا: ۲۷). در داستان مؤمن آل فرعون نیز وی به مشرکان می گوید: آیا شما مرا به شرکی دعوت می کنید که برهانی برای آن وجود ندارد و آنها نه در دنیا و نه در آخرت هیچ حاکمیتی ندارند و خداوند عزیز است

و هیچ شریکی نمی‌پذیرد (غافر: ۴۲ و ۴۳). در آیه ۷۷ سوره جاثیه تعبیر قرآن از واژه کبریا و برای خداوند نیز نشان‌دهنده و حاکی از عظمت مطلق او در پهنه هستی است چرا که در پایان آیه نیز به لفظ عزیز تصریح می‌فرماید.

یکی از نشانه‌های شریک‌نداشتن خداوند، اقرار هستی بر آن است. تنزیه او توسط عالمیان از همه صفات نقص و حتی صفات کمال انسانی نشان‌دهنده عزیز بودن او است که علاوه بر آن که در سراسر قرآن این اقرار گزارش شده است، سوره‌های حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن با خبر دادن از تسبیح هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، آغاز می‌گردد.

۱-۲-۵-۲. پرستش غیر خدا در علم الهی

اگر گروهی از انسان‌ها با ندیده گرفتن همه دلایل روشن عقلی، آفاقی و انفسی برای خداوند شریک قائل شوند یا به او کفر بورزند، این مسئله باز هم تحت علم و اراده او انجام می‌شود (عنکبوت: ۴۲) و کسی با این نوع پرستش، خداوند را شکست نمی‌دهد چرا که اگر او می‌خواست همه انسان‌ها تنها او را می‌پرستیدند (رعد: ۳۱) در حالی که او انسان را مختار آفریده و به او فرصت انتخاب داده است. اما در صورت انتخاب شرکا برای خداوند یا کفر به او و پرستش دیگر موجودات، عذاب سخت در انتظار اوست (آل عمران: ۴) و کسی نمی‌تواند از دایره حاکمیت او خارج شود (الرحمن: ۳۳).

۱-۲-۶. اختیار مطلق الهی

خداوند مختار مطلق است، در دادن یا گرفتن نعمت، عذاب یا غفران و تألیف قلوب متفرق اختیار دارد و در این اختیار موجودی نمی‌تواند ورود پیدا کند.

۱-۲-۶-۱. دادن یا گرفتن نعمت

اگر خداوند رحمتی را برای انسانی اراده کند، هیچ موجودی نمی‌تواند مانع آن شود و اگر اراده نماید که نعمتی را از کسی دریغ کند، هیچ موجود دیگری نمی‌تواند در اراده او تأثیر گذاشته و راه رحمت را باز کند، که البته این اراده مبتنی بر حکمت اوست (فاطر: ۲). به عبارت دیگر خزانه‌های رحمت او (ص: ۹۰) و کلیدهایش (شوری: ۱۲) تنها در اختیار اوست و هیچ کس به آن گنجینه‌ها دسترسی ندارد. همچنین اوست که باز هم بر اساس حکمت و علم بی‌منتهای خود به درون و برون انسان‌ها و انتخابشان، آنها را هدایت می‌کند و یا در ظلمت گمراهی رها می‌کند (ابراهیم: ۴) و هیچ موجودی نمی‌تواند ضلالت یا هدایت اراده شده توسط خداوند را به هدایت یا ضلالت تبدیل کند (زمر: ۳۶ و ۳۷).

۱-۲-۲-۲. عذاب یا غفران

خداوند مبتنی بر حکمتش اراده می‌کند تا گنهکاری را مجازات نماید و یا او را ببخشد و هیچ موجودی نه اجازه دخل و تصرف در این امر را دارد و نه می‌تواند او را به دلیل عفو یا عذاب مؤاخذه نماید. نمونه آن، گزارش مکالمه‌ای در قرآن است که در روز قیامت میان خداوند و عیسی (ع) در خصوص مشرک شدن مسیحیان و خدا دانستن عیسی (ع) و مادرش صورت می‌گیرد و در نهایت این مکالمه پس از آن که عیسی (ع) بر توحید و رساندن صحیح آن به پیروانش اقرار دارد به خداوند عرض می‌کند که اگر آنها را عذاب کنی هیچ کس نمی‌تواند خرده‌ای بگیرد چرا که آنان بندگان خودت هستند و البته اگر ببخشی نیز چنین است و تو عزیز حکیم هستی (مائده: ۱۱۸).

۱-۲-۲-۳. تألیف قلوب متفرق

یکی دیگر از مصادیق عزت خداوند نزدیک کردن قلب‌ها و تفکرات مختلف به یکدیگر است. اگر او چنین اراده‌ای نداشته حتی پیامبر نیز اگر همه دارایی‌های روی زمین را هزینه می‌کرد برای آن که این تألیف ایجاد شود، امکان‌پذیر نبود و اگر او نخواهد این تألیف به تفرق تبدیل نخواهد شد و همه بر اساس حکمت است (انفال: ۶۳) و (آل عمران: ۱۰۳) و در

جای دیگر می‌فرماید ای پیامبر به واسطه رحمتی از خدا تو با آنها نرم شدی که اگر این رحمت نبود چنین اتفاقی نمی‌افتاد (آل عمران: ۱۵۹).

۱-۲-۲-۲. معاد

او چه در اراده اصل معاد و چه در کیفیت آن غیر قابل نفوذ است و اراده، اراده اوست.

۱-۲-۲-۱. اصل معاد

یکی از مصادیق عزت خداوند اراده او بر تحقق معاد و ایجاد نشئه دیگری است که در آن انسان‌ها پاداش یا جزای اعمال خود را به طور کامل دریافت می‌نمایند (طه: ۱۵) و هیچ موجودی نمی‌تواند مانع از تحقق این اراده الهی شود (روم: ۲۷).

۱-۲-۲-۱. چگونگی معاد

یکی دیگر از مصادیق عزت چگونگی معاد است که در این امر نیز، همه چیز بر اساس اراده او اتفاق می‌افتد و کسی را یارای مخالفت یا تغییر در آن نیست. نمونه آن سؤالی است که ابراهیم (ع) در خصوص این کیفیت از خداوند دارد و او با دخالت دادن خود ابراهیم (ع) در این امر به او کیفیت معاد و حشر را عیناً نشان می‌دهد (بقره: ۲۶۰).

نمودار ۲: مقولات آیات مرتبط با عزت



۲. تحلیل واژگان مرتبط با مفهوم «قدرت» در قرآن کریم

۱-۲. بررسی مفهومی واژه «قدرت»

صاحب مقایس، ریشه قدر را دارای یک اصل و به معنای اندازه، اصل و نهایت یک چیز می‌داند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۶۲). فراهیدی در العین، «قَدَرَ عَلَى الشَّيْءِ قُدْرَةً» را به معنای مالکیت یک چیز معنا می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱۲). راغب در مفردات، قدرت را در مورد انسان به معنای قادر بودن بر انجام کار و در مورد خداوند به معنای نفی ناتوانی می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، ص ۶۵۷). صاحب التحقیق، قدرت را به معنای اختیار فاعل فعل در انجام یا ترک آن معنا می‌کند. کسی که نیرویی دارد که اگر بخواهد آن را بکار می‌گیرد یا نمی‌گیرد. وی تقدیر را اعمال قدرت و ظهور اراده فاعل معنا می‌کند (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۹، ص ۲۰۶). از مجموع نظرات لغویون می‌توان گفت قدرت به معنای توانایی و اختیار مطلق در انجام دادن یا ندادن یک فعل است در مقابل کسی که توانایی تحقق اراده خود را به صورت کامل ندارد.

در قرآن به طور کلی ریشه «قدر» ۱۳۲ بار و در مورد قدرت خداوند ۶۴ بار تکرار شده است و مهم‌ترین اشکال کاربردی آن عبارتست از «قدیر» ۴۵ بار، «قادر» ۱۲ بار و «مقتدر» ۴ بار و بیشترین کاربرد به واژه قدیر اختصاص یافته است که هم بر فراوانی (ابن منظور، ج ۵، ص ۷۴) و هم بر ثبوت قدرت در خداوند دلالت می‌کند.

۲-۲. تحلیل محتوای کیفی آیات مرتبط با مفهوم «قدرت»

پس از بررسی کدهای داده شده به هر یک از آیات مرتبط با مفهوم قدرت، کدهای مشترک تحت یک مقوله قرار گرفتند و ۶ مقوله جایگزینی و تغییر، معاد، خلقت و تدبیر هستی، مجازات عاصیان، حمایت از مؤمنان و تساوی اراده در انجام دو فعل متناقض به شرح ذیل حاصل شد:

۲-۲-۱. جایگزینی و تغییر

او بر جایگزینی و تغییر، قدرت دارد نیکان را به جای بدان قرار می‌دهد و در ایجاد تغییرات در جسم و روح انسان‌ها، نسخ احکام و شرایع و خلقت دوباره، توانمند است.

۲-۲-۱-۱. نیکان به جای بدان

از مصادیق قدرت خداوند جایگزینی انسان‌های مطیع اوامر الهی و پیامبرش به جای انسان‌های عاصی است و این‌گونه نیست که اگر خداوند از انسان‌ها اطاعت می‌خواهد به دلیل آن است که آنها را خلق کرده و دیگر چاره‌ای جز تحمل آنها ندارد. آری در دمی می‌تواند آنها را نابود ساخته و گروه دیگر دارای ایمان حقیقی و عمل صالح را جایگزین آنها نماید. این معنی بارها در قرآن تکرار شده است. به عنوان مثال در جریان جنگ تبوک و تعلل گروهی از آماده‌شدن برای جنگ و آوردن بهانه‌های واهی خداوند می‌فرماید اگر برای جنگ حرکت نکنید خداوند شما را به کسانی غیر از شما تغییر می‌دهد و این تبدیل هیچ ضرری را متوجه او نمی‌کند (توبه: ۳۹).

۲-۲-۱-۲. تغییرات در انسان

۲-۲-۱-۲-۱. تغییرات جسمی و مادی

خداوند می‌تواند در انسان‌ها تغییر ایجاد کند. اگر او با قدرت خود انسان را خلق می‌کند با همان قدرت نیز می‌میراند. اینگونه نیست که وقتی به موجودی حیات بخشید نتواند آن را باز پس گیرد. حتی می‌تواند صفاتی مانند علم را در انسان رشد دهد و همان را باز پس گیرد (نحل: ۷۰). او انسان را از ضعف به سوی قوت می‌برد و پس از قوت او را به سمت ضعف می‌کشاند (روم: ۵۴). همچنین او می‌تواند به یکی پسر و به دیگری دختر دهد و به یکی هر دو و دیگری را عقیم گرداند با این که همه انسان‌ها در خلقت شبیه هم هستند اما او مقهور این مماثلت انسان‌ها با هم نیست و می‌تواند بر اساس قدرتش از اندام‌های یکسان،

مکانیسم متفاوت حاصل نماید (شوری: ۴۹ و ۵۰). او قدرت دارد تا با ایجاد تغییرات در آبی کم ارزش، آن را به یک انسان کامل تبدیل کند (طارق: ۶۵).

۲-۲-۱-۲-۲. تغییرات روحی و معنوی

علاوه بر تغییرات مادی، خداوند می‌تواند از نظر روحی و معنوی در انسان‌ها تغییراتی ایجاد نماید که البته این نوع تغییر مبتنی بر اراده اولیه از سوی انسان است. به این معنا که انسان باید این تغییر را بخواهد، آنگاه خداوند قدرت خود را اعمال می‌فرماید. نمونه آن قدرت خداوند بر تبدیل سینات به حسنات است، هنگامی که انسان با توبه خالصانه خود ثابت کند که شایستگی این تغییر را دارد (تحریم: ۸). نمونه دیگر قدرت او در تبدیل دشمنی‌ها به دوستی‌هاست. آنجا که با وجود دشمنی میان تازه مسلمانان و مشرکان مکه و ایجاد جنگ‌های بسیار میان آنها و کشته شدن مسلمانان به دست مشرکان و برعکس، در صورت مسلمان شدن کفار، خداوند این قدرت را دارد تا هر دو طرف، کینه‌های قدیمی را فراموش کنند و میانشان مودت برقرار سازد (ممتحنه: ۷). نمونه دیگر تبدیل شکست‌ها به پیروزی است در صورتی که انسان از آنها درس گرفته و نقایص خود را جبران کند (آل عمران: ۱۶۵).

۲-۲-۱-۳. نسخ احکام و شرایع

خداوند در هر شریعتی مبتنی بر مصلحت احکامی را تشریح می‌فرماید. یکی از مصادیق قدرت او تواناییش بر نسخ همان احکام و تبدیل آن به احکامی که مانند یا بهتر از قبلی‌هاست (بقره: ۱۰۶) همچنین قادر است تا یک شریعت را نسخ و شریعتی دیگر را جایگزین آن نماید. مانند نسخ شریعت موسی (ع) به واسطه شریعت پیامبر خاتم (ص). در حالی که تفکر یهودیان غیر از این بود و اعتقاد داشتند که شریعت الهی تنها در بنی اسرائیل معنا می‌یابد و دست خدا بسته است (مائده: ۶۴) و قدرت ندارد تا آن را به پیامبری از یک قوم دیگر بسپارد (مائده: ۱۸ و ۱۹).

۲-۲-۱-۴. خلقت دوباره

یکی از مصادیق قدرت خداوند، توانایی او بر ایجاد خلقت با همه عظمتش و سپس از بین بردن همه آنها براساس حکمتی دیگر به نام معاد است. قرآن این حقیقت را در قالب تمثیلی زیبا که خود نیز یکی دیگر از واقعیت‌های موجود در طبیعت است و از قدرت خداوند بر تغییری دیگر خبر می‌دهد؛ تبیین می‌نماید. آنجا که زندگی دنیا را مانند بارانی می‌داند که به وسیله آن گیاهان گوناگونی می‌روید و ناگاه آن گیاهان خشک می‌شوند و باد آنها را به هر سو می‌برد (کهف: ۴۵).

۲-۲-۲. معاد

خدای سبحان بر زنده کردن مردگان و معاد جسمانی، حشر و حسابرسی قدرت مطلقه دارد و می‌تواند چنین اراده‌ای نداشته باشد.

۲-۲-۱-۲. زنده کردن مردگان و معاد جسمانی

خداوند می‌تواند پس از مرگ و برپایی معاد انسان را دوباره بیافریند (اسراء: ۹۹) و تحقق بخشیدن به این امر در کمتر از چشم برهم‌زدنی می‌تواند انجام شود (نحل: ۷۷). او قدرت دارد تا دوباره خلقتی نوپدید آورد و جهانی دیگر (آخرت) را برپا نماید همان‌گونه که زمین مرده را در بهار، زندگی دوباره می‌بخشد (روم: ۵۰). نکته جالب توجه در قرآن آن است که خداوند برای اثبات قدرتش بر معادی که هنوز انسان‌ها آن را درک نکرده‌اند، آن‌ها را به مرگ و زندگی و مراحل رشد و نمو و زوال در همین دنیا توجه می‌دهد (عنکبوت: ۲۰). آنجا که رویدن گیاه پس از خشکی به وسیله آب حیات بخش را نشانه‌ای روشن بر زنده شدن مردگان در قیامت (فصلت: ۳۹) و قدرت بر خلقت آسمان‌ها و زمین با همه عظمتشان و درنماندن از انجام آن را دلیلی بر معاد ذکر می‌کند (احقاف: ۳۳).

آنجا که استقرار نطفه در رحم و مراحل رشد آن و تعیین جنسیتی جنین را بیان می‌کند (قیامت: ۳۷ تا ۴۰)، سپس در ادامه از تولد و خروج از رحم و رشد عقلانی سخن می‌گوید و

سخن را با پیری و زایل شدن عقل و مرگ به پایان می‌برد و آن را دلیلی بر قدرت خداوند بر زنده کردن دوباره انسان و معاد می‌گیرد (حج: ۵ و ۶). حتی بر اساس آیه ۲۵۹ سوره بقره به فردی که در کیفیت زنده شدن مردگان سؤال ذهنی دارد با میراندن خود او و چارپای همراه او و بعد زنده کردنش پس از صد سال و نشان دادن مراحل زنده شدن آن چارپا پیش‌رویش، قدرت خود را بر معاد نشان می‌دهد.

یکی دیگر از نشانه‌های قدرت خداوند، معاد جسمانی است. در دو آیه ۹۹ سوره اسراء و ۸۱ سوره یس با عبارت قادر بودن خداوند بر خلق مثل و آفرینش همانند همین انسان‌ها در قیامت بر این مسئله تأکید می‌ورزد. و در جای دیگر ضمن یک استفهام توییحی که آیا انسان گمان می‌کند که ما بر جمع کردن استخوانهایش قدرت نداریم؟ پاسخ می‌فرماید نه تنها بر آن بلکه قادریم که سرانگشتان او را همان گونه که در این دنیا بوده بازسازی نماییم (قیامت: ۳ و ۴).

۲-۲-۲-۲. حشر و حسابرسی

یکی دیگر از مصادیق قدرت خداوند در خصوص معاد، توانایی بر حشر و حسابرسی همه انسان‌هاست. قرآن انسان‌ها را از پرداختن به امور ظاهری و نزاع بر سر آن مانند بحث و جدل یهودیان در تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه بر حذر داشته و از آنان می‌خواهد که بر انجام نیکی‌ها و سبقت گرفتن از یکدیگر تأکید می‌ورزد. چرا که خداوند قدرت دارد تا همه انسان‌ها را در صحنه محشر جمع و به حساب آنها رسیدگی می‌کند و آنچه در آن روز نجات بخش است اعمال صالح است نه چیز دیگر (بقره: ۱۴۸). همان گونه که خداوند در اثبات قدرت خود بر ایجاد اصل معاد از همین دنیا مثال می‌آورد، در حشر و حسابرسی نیز، انسان را به خلقت آسمان‌ها و زمین و پراکنندگی جنیندگان توجه داده و آن را دلیل بر تواناییش بر حشر در قیامت می‌داند. یعنی همان خدایی که قدرت بر انتشار جنیندگان در آسمان‌ها و زمین دارد، همو قدرت بر جمع آنان نیز دارد (شوری: ۲۹).

۲-۲-۳. خلقت

او قدرت دارد تا خلق نماید یا ننماید می‌تواند در خلقت تنوع ایجاد کند یا نه و خلق خاص داشته باشد و این مسئله کاملاً دائر مدار اراده اوست.

۲-۲-۳-۱. اصل خلقت

یکی دیگر از مصادیق قدرت خداوند، توانایی او بر خلق آسمان‌ها و زمین است. خلقی که از عدم و بدون هیچ الگوی قبلی صورت گرفته است (فاطر: ۱). خدایی که هفت آسمان و همانند آن زمین را آفرید و فرمان او از آسمان به زمین جریان می‌یابد (طلاق: ۱۲). انسان را از آبی کم‌ارزش خلق کرد و از همان آب، دو جنسیت زن و مرد قرار داد (فرقان: ۵۴). همچنین ملائکه را خلق نمود و با ید قدرت خود برایشان وسیله‌ای قرار داد تا بتوانند سیر نزولی و صعودی داشته باشند و بدین وسیله مأموریت و وظیفه مهم خود را که عبارت است از واسطه‌گری تکوینی و تشریحی میان خداوند و انسان‌ها به انجام رسانند (فاطر: ۱).

۲-۲-۳-۲. تنوع در خلقت و خلق خاص

علاوه بر قدرت بر اصل خلقت، یکی دیگر از صحنه‌های اثبات‌کننده توانایی آن خالق بزرگ، تنوع در خلقت موجودات از یک ماده واحد یعنی آب است. خدایی که برخی آفریدگانش بر شکم، برخی بر دو پا و برخی بر چهارپا راه می‌روند و این نوع حرکت تنوع در حیات آنها را ایجاد می‌کند. نکته مهم آن که خلقت تمام نشده و خداوند هر چه اراده کند خلق می‌کند (نور: ۴۵) و بر خلقت می‌افزاید (فاطر: ۱).

از نشانه‌های قدرت بی‌نظیر الهی، ایجاد مخلوقات خاص است. مانند خلقت عیسی (ع) که از دوشیزه‌ای که هرگز همسر به خود ندیده است. البته همین امر سبب توهم برخی مسیحیان شد و عیسی (ع) و مادرش (س) را به عنوان اله گرفتند. اما حقیقت آن است که آنان نیز مانند همه انسان‌های دیگر تحت عبودیت خداوند هستند و مرگ و زندگی آنان در

ید قدرت الهی ست چرا که مالکیت آسمان‌ها و زمین در اختیار اوست و هیچ کس حق چون و چرا در اراده او را ندارد (مائده: ۱۷).

۲-۲-۴. مجازات عاصیان

مجازات عاصیان در دنیا و آخرت یکی از مصادیق قدرت مطلقه الهی است که مبتنی بر اراده اوست.

۲-۲-۴-۱. مجازات دنیوی

اگرچه که مجازات به شکل کامل آن در جهان آخرت صورت می‌گیرد اما در همین دنیا نیز خطا کاران مجازات می‌شوند. به عبارت دیگر می‌توان گفت نظام جزا و پاداش از این دنیا آغاز و در آخرت به کمال خود می‌رسد. به عنوان نمونه خداوند در ابتدای هجرت و به دلیل ضعیف بودن قوای مسلمانان و نه عدم قدرت خداوند، آنها را به عفو و صفح موقتی نسبت به اهل کتاب دعوت می‌کند اما در ادامه این نوید را می‌دهد که امر الهی مبنی بر مقابله با آنان خواهد رسید و آنان به اذن خداوند و به دست مؤمنان مجازات خواهند شد (بقره: ۱۰۹). در جای دیگر خداوند، تکذیب کنندگان پیامبر را به عذابی همه‌جانبه تهدید می‌کند که از بالای سر و زیر پا آنها را فراگیرد و یا جمع آنها را متفرق ساخته و به نزاع و درگیری پردازند که این خود عذابی بزرگ است و باعث هدرشدن جان‌ها و اموال بسیاری خواهد شد (انعام: ۶۵). همچنین آنها را دعوت به سیر در زمین و دقت در عاقبت منکران در اقوام گذشته می‌کند که نافرمانی آنان نتوانست خداوند را عاجز کند و با عذاب استیصال نابود شدند (فاطر: ۴۴).

۲-۲-۴-۲. مجازات اخروی

خداوند به دلیل علم مطلقش بر درون و برون انسان‌ها قادر بر مجازات عاصیان است. نمونه‌ای از آن را می‌توان در آیات ۲۸ تا ۳۰ سوره آل عمران مشاهده نمود. آنجا که مسلمانان

را از برقراری رابطه ولایی و دوستی نزدیک با اهل کتاب به شدت بر حذر می‌دارد. چرا که این رابطه می‌تواند مشابهت فکری ایجاد نماید. حال اگر کسی رابطه مخفیانه ایجاد نماید خداوند به آن آگاهی داشته و خطاکاران را در قیامت مجازات می‌نماید. همچنین در جای دیگر کسانی را که از انجام اعمال ناصواب خود خوشحالند و انتظار دارند در برابر عمل نیک انجام نشده مورد ستایش قرار گیرند، مورد مذمت قرار داده و راه نجاتی از عذاب دردناک برایشان متصور نیست و از آنجا که مالکیت هستی از آن خداوند است پس قدرت بر عذاب اینان را نیز دارد (آل عمران: ۱۸۸ و ۱۸۹).

۲-۲-۵. حمایت از مؤمنان

خداوند قدرت دارد تا از پیامبران و مؤمنان حمایت نماید و در جنگ آنان را نصرت عطا نماید اما این به عنوان یک امر جبری برای او نیست.

۲-۲-۵-۱. حمایت از پیامبران و مؤمنان

یکی از مصادیق قدرت الهی حمایت از پیامبران و فرستادگانش است. برای نمونه خداوند غنائم قبیله یهودی بنی‌نضیر که بدون جنگ بدست آمده بود را به عنوان فیء و غنیمت ویژه پیامبرش اعلام می‌کند و اعلام می‌دارد که خداوند چنان قدرتی دارد که می‌تواند پیامبرانش را بر هر آنچه می‌خواهد و اراده می‌کند، مسلط نماید (حشر: ۶).

۲-۲-۵-۲. نصرت در جنگ

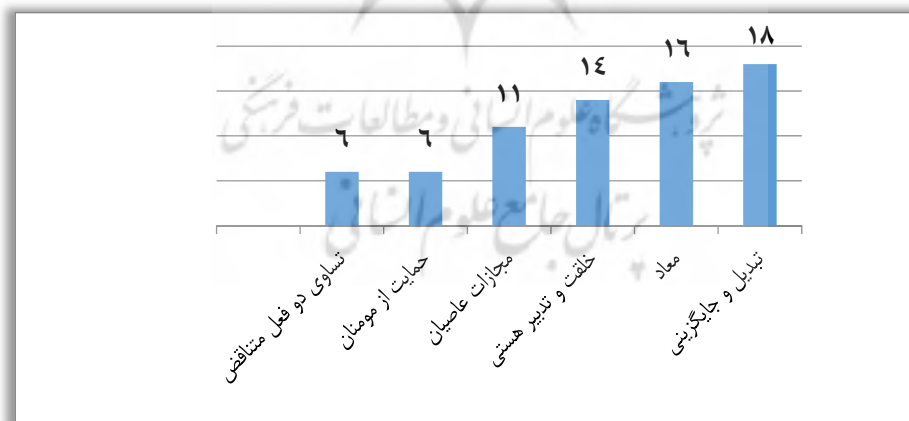
خداوند مؤمنان را در جنگ‌ها و مبارزاتشان با کفار یاری می‌دهد و نمونه آن پیروزی مسلمانان علی‌رغم عده و عُدّه کم‌شان در جنگ بدر بود و این چیزی جز اعمال قدرت الهی نبود (انفال: ۴۱). همچنین به مؤمنان اجازه داده شده که در صورت تحمیل جنگ به آنان از خود دفاع نمایند و خداوند با قدرت خود از آنها حمایت خواهد کرد و نصرت را نصیبشان خواهد نمود (حج: ۳۹). در نمونه دیگر سخن از حمایت خداوند از مؤمنان و نصرت آنان در

جنگ احزاب است. آنجا که زمین‌ها و خانه‌های اهل کتاب را در اختیار مسلمانان گذاشت و آنان را به سرزمینی که هرگز پای نگذاشته بودند، وارد کرد (احزاب: ۲۷).

۲-۲-۶. تساوی اراده در انجام دو فعل متناقض

خداوند قدرت دارد تا به‌طور یکسان هر یک از دو امر متناقض را که حکمتش اقتضا کند، اراده فرماید. می‌تواند ببخشد یا عذاب کند و بر هر دو به یک اندازه قدرت دارد. می‌فرماید اگر آنچه در دل دارید آشکار کنید یا پنهان کنید برای خدا تفاوتی ندارد و همه را با علمش محاسبه می‌کند و قدرت دارد تا مؤمنان حقیقی و توبه‌کنندگان را ببخشد و منافقان را عذاب کند (بقره: ۲۸۴) چرا که مالکیت آسمان‌ها و زمین از آن اوست (مائده: ۴۰). او همان‌گونه که می‌تواند به آن کس که مشیتش اقتضا می‌کند، مُلک و حکومت دهد می‌تواند آن را باز پس گیرد و همان‌گونه که می‌تواند عزت دهد می‌تواند آن را تبدیل به ذلت نماید (آل عمران: ۲۶). همچنین او اگر زبانی به یکی از بندگانش برساند هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد و اوست که می‌تواند این ضرر را به خیر و نفع تبدیل کند (انعام: ۱۷).

نمودار ۳: مقولات آیات مرتبط با قدرت



۳. تحلیل واژگان مرتبط با مفهوم «قوت» در قرآن کریم

۳-۱. بررسی مفهومی واژه «قوت»

ابن فارس در مقاییس، ریشه قوی را شدت و خلاف ضعف می‌داند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶). صاحب التحقیق، قوت را تمکن بر عمل و مبدأ فعل دانسته و قدرت را از مصادیق آن برمی‌شمارد (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۹، ص ۳۴۷). عسکری می‌نویسد:

«قوی به کسی اطلاق می‌شود که قادر بر شیء و بر بالاتر از آن باشد

بنابراین به هر قادری قوی گفته نمی‌شود» (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۹۹).

بنابراین؛ قوت به معنای تمکن بر انجام عمل و بر بالاتر از آن است. او قدرتی است که هر گاه انسان متعلقات قدرت او را تصور بکند بالاتر از آن را می‌تواند انجام دهد و چون بالاتر آن را تصور کند او بالاتر از تصور دوم را می‌تواند و تا بی‌نهایت این ادامه دارد.

در قرآن ریشه «قوی» به‌طور کلی ۴۲ بار و «قوی بودن خداوند» ۱۳ بار تکرار شده است و دو شکل کاربردی آن عبارتست از «قوی» ۹ بار و «قوة» ۴ بار و قوی بر وزن فعلی بر کثرت و استمرار دلالت دارد. از ۹ بار تکرار واژه قوی در قرآن، ۷ بار با واژه «عزت» همراه شده است. همراهی دو مفهوم قوت و عزت می‌تواند به این معنا باشد که نفوذناپذیری خداوند، نتیجه مستقیم داشتن قوتی فوق‌تصور است. چرا که موجودی که قدرتش قابل‌تصور و حدزدن نباشد لاجرم شکست‌ناپذیر می‌باشد چرا که همواره بالاترین قدرت خواهد ماند.

۳-۲. تحلیل محتوای کیفی آیات مرتبط با مفهوم «قوت»

پس از بررسی کدهای داده شده به هر یک از آیات مرتبط با مفهوم قوت، کدهای مشترک تحت یک مقوله قرار گرفتند و ۳ مقوله خلقت و تدبیر، حمایت همه‌جانبه از دین و مؤمنان و شدت در مجازات کافران به شرح ذیل حاصل شد:

۳-۲-۱. خلقت و تدبیر

خدای سبحان در خلق هستی و روزی دادن به همه موجودات قوی است و هر آنچه از نعم بر موجودات عالم ارزانی می‌دارد بیش از آن در ید قدرت اوست.

۳-۲-۱-۱. خلقت

یکی از مصادیق قوت الهی و به عبارت دیگر قدرت زایدالوصف خداوند، قدرت او بر خلقت است. خلق موجودات عظیمی چون انسان، ملائکه، آسمان‌ها و در مقابل معبودان دروغین و ظاهری نمی‌توانند موجودی به کوچکی مگس خلق کنند و حتی اگر همین موجود حقیر چیزی از آنها بر یاد نمی‌توانند آن را بازپس گیرند. نکته مهم آن که حدی برای قدرت خداوند وجود ندارد و او قوی مطلق است. هر چه انسان تصور کند او بالاتر از آن را می‌تواند خلق کند و مردم هنوز این حد از قدرت را درک نکرده‌اند و او را قدرتمندی در حد سایر قدرتمندان می‌دانند (حج: ۷۳ و ۷۴) و به همین دلیل است که انسان‌های مستکبر جاهل احساس می‌کنند که هیچ کس قوی‌تر از آنان نیست در حالی که با کمی تعقل می‌فهمند آن کسی که این قدرت را به آنها داده ناگزیر باید قویتر از آنها باشد (فصلت: ۱۵).

۳-۲-۱-۲. رزق

یکی از مصادیق قوت خداوند و قدرت غیرقابل تصورش، روزی دادن اعم از روزی‌های مادی و معنوی به مخلوقات است. او از آنجا که لطیف است و به دقایق و ظرایف بیرونی و درونی همه موجودات عالم است پس روزی‌دادن متناسب با نیاز هر یک از آنها نه تنها برایش سخت نیست که بسیار آسان است و اینگونه نیست که مثلاً به کسی یا کسانی نتواند روزی برساند و به گروهی دیگر بتواند همه موجودات زیر چتر رزاقیت او قرار دارند (شوری: ۱۹)، چرا که ساختار کلمه رزاقیت که صیغه مبالغه است دلالت بر کثرت مفهوم دارد. در آیه ۵۸ سوره ذاریات جمع شدن ۳ کلمه «الرزاق»، «ذوالقوة» و «المتین» نشان‌دهنده قدرت مافوق تصور او در رزاقیت است.

۳-۲-۲. حمایت همه‌جانبه از رسولان و مؤمنان

حمایت خداوند از رسولان و مؤمنان نهایت توان او در این مسئله نیست و نهایت این حمایت قابل تصور نیست.

۳-۲-۲-۱. حمایت از رسولان

قضاء الهی بر این تعلق گرفته است که او و رسولانش همواره پیروز و غالب باشند، شاید در برهه‌ای از زمان ظاهراً پیامبران در مبارزه با منکران متحمل شکست شوند اما نتیجه و پایان به غلبه آنان منتهی می‌شود چراکه آنان مؤید به تأییدات الهی‌اند و او دارای چنان قدرت زایدالوصفی است که شکست در او راهی ندارد (مجادله: ۲۱). خداوند اگر پیامبرانش را با دلایل قاطع و معجزات روشن و مجموعه مدون از قوانین و ابزارهای سنجش صواب از ناصواب فرستاد تا مردم برای اقامه عدل و قسط در جامعه بپاخیزند و آهن را برای دفاع و سایر کاربردهای زندگی بشری نیز فروفرستاد، برای آن بود که انسان‌ها را بیازماید تا خود متوجه شوند چه کسانی او را و پیامبرانش را یاری می‌کنند. چراکه خداوند به دلیل قدرت بی‌نظیر و فوق‌تصورش نیازی به نصرت مردم ندارد و این برای آزمودن حقیقت ایمان آنهاست (حدید: ۲۵).

۳-۲-۲-۲. حمایت از مؤمنان

خداوند مؤمنان مجاهد در راه خدا را که خالصانه در راه او به مقاتله می‌پردازند و از شعائر و نشانه‌های الهی مانند مساجد، حفاظت می‌نمایند و در حقیقت با این مجاهده، ذکر خداوند را زنده نگاه می‌دارند و خداوند را یاری می‌کنند، با قدرت تمام نصرت و یاری می‌بخشد. اگر چه که نابودکنندگان ذکر خدا دارای عده و عده بسیار و مجاهدان اندک باشند. چراکه قدرت او مافوق هر قدرتی است که تصور شود (حج: ۴۰) و گاه بدون آن که این مجاهدان جان خود را به خطر اندازند و وارد مقاتله شوند، پیروزی را نصیب آنها می‌کند (احزاب: ۲۵). همچنین در هنگامه عذاب استیصال مکذبان از امت‌های گذشته، خداوند پیامبران و مؤمنان

را جدا کرده و آنان را نجات می‌بخشد. نمونه آن صالح(ع) و مؤمنان همراه او هستند که در بحبوحه عذاب خلاصی می‌یابند و البته رهایی مهم آنها از عذاب آخرت است (هود:۶۶).

۳-۲-۳. شدت در مجازات کافران

او در شدت مجازات دنیوی و اخروی کافران قوی است و آنچه از عذاب که کفار با آن روبرو می‌شوند نهایت قدرت او نیست.

۳-۲-۳-۱. مجازات دنیوی

خداوند در مورد کافران و منکران در صورت اقتضای حکمتش اشد مجازات دنیوی را اعمال می‌کند. مانند انواع عذاب‌های استیصال که برای امت‌های نافرمان و گنهگار گذشته از جمله فرعون و فرعونیان مقرر فرمود و هر یک در نوع خود شدید بودند اما نه شدیدترین چرا که خداوند قوی است و شدیدتر از آن نیز برای خداوند آسان است (انفال:۵۲) و دلیل این عذاب شدید دعوت پیامبرانشان به حق و عبودیت الهی با دلایل عقلی و معجزات روشن بود (غافر:۲۲).

۳-۲-۳-۲. مجازات اخروی

علاوه بر مجازات دنیوی برای کسانی که برای خداوند سبحان شریک می‌گیرند و محبت خود را به پای آن شریکان بی‌ارزش می‌ریزند در حالی که مؤمنان حقیقی همه محبتشان را خالص برای خداوند قرار می‌دهند، مجازاتی شدیدتر و بزرگتر وجود دارد که مجازات در آخرت است و با دیدن عذاب است که کافران با کناررفتن حجاب‌هایی از هوای نفس که خود ایجاد کرده بودند متوجه می‌شوند همه قدرت، قدرتی مافوق تصور فقط از آن خداوند است (بقره:۱۶۵).

نمودار ۴: مقولات آیات مرتبط با قوت



۴. تحلیل واژگان مرتبط با مفهوم «قاهر» در قرآن کریم

۴-۱. بررسی مفهومی واژه «قاهر»

صاحب مقایس، قاهریت را کلمه‌ای می‌داند که بر غلبه و علو دلالت می‌کند و قاهر غالب است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۵) و قهر، غلبه همراه با به ذلت در آوردن مغلوب است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۸۷). مصطفوی در تحقیق می‌گوید:

«قهر، اعمال غلبه در مقام اجرا و عمل است. و خداوند قاهر و قهار است به این معنا که قدرت، علو، تفوق و غلبه او بر همه خلق جریان دارد و او حاکم مسلط و دارای نفوذ و احاطه است و کسی جز او قاهر مطلق نیست و سایر موجودات تحت حکم، سلطنت و قهر او قرار دارند و «قهار» صیغه مبالغه است که دلالت بر قهر اکید و حاکمیت شدید الهی دارد» (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۹، ص ۳۳۱).

از مجموع عبارات لغویون بدست می‌آید که قهر به معنای نفوذ و غلبه مطلق موجود قاهر بر دیگران است. به گونه‌ای که موجود مقهور هیچ قدرت و اختیاری از خود در برابر او

ندارد و تحت سیطره کامل او قرار دارد. بنابراین در مفهوم قهر یک نوع فوقیت و سلطه مطلق وجود دارد.

در قرآن ریشه «قهر» ۱۰ بار تکرار شده است که ۸ بار آن در دو شکل کاربردی «قهار» ۶ بار و «قاهر» ۲ بار در مورد خداوند بکار رفته است. و قهار، صیغه مبالغه بوده و بر کثرت این صفت در خداوند دلالت دارد. واژه قهار ۶ بار در مورد خداوند در قرآن تکرار شده است و در هر دفعه با واژه «واحد» همراه است: «الْوَّاحِدُ الْقَهَّارُ». ریشه «وحد» بر انفراد دلالت دارد و «واحد» منفرد است. همچنین واحد موجودی است که جزئی نداشته باشد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۸۵۸). بنابراین همراه شدن واحدیت با قهاریت در قرآن تأکید بر وجود یک قاهر در جهان هستی یعنی خداوند است.

۴-۲. تحلیل محتوای کیفی آیات مرتبط با مفهوم «قاهر»

پس از بررسی کدهای داده شده به هر یک از آیات مرتبط با مفهوم قوت، کدهای مشترک تحت یک مقوله قرار گرفتند و مقولات شریک نداشتن، دادن و گرفتن نعمت، معاد و مجازات کفار به شرح ذیل حاصل شد:

۴-۲-۱. سلطه مطلق در دنیا

خداوند در دنیا تنها موجودی است که بر کل هستی سلطه و حاکمیت دارد که با عبارت «هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (زمر: ۴) بر آن تصریح شده است. نکته مهم آن که در قرآن علاوه بر تأکید بر تنها قهار بودن خداوند، دلایل و نشانه‌های روشن این ادعا شرح داده شده است، که عبارتست از توحید ذاتی و صفاتی خداوند سبحان. یعنی از آنجا که او هم در ذات و هم در صفات احد و واحد است پس سلطه مطلق در این دنیا با او است. در بخشی ابتدایی آیه ۴ سوره زمر خداوند هرگونه فرزند داشتن را که نشانه‌ای از وجود جزئیت در ذات و مغایر با توحید ذاتی است از خود نفی می‌کند و خود را واحد قهار می‌خواند. در ادامه و در

آیات بعدی از توحید در خالقیت و ربوبیت به عنوان نشانه‌های روشن‌تری از قهاریت مطلق خود نام می‌برد (زمر: ۶۵).

همچنین در اثبات خالقیت مطلق دلیل می‌آورد که در جهان واقعی انسان‌ها هیچ موجودی سراغ ندارند که مخلوق خالق دیگر باشد (رعد: ۱۶). قرآن یکی دیگر از نشانه‌های تسلط تام و تمام خداوند را توحید در عبودیت می‌داند و اینکه انسان‌ها عقلاً و شرعاً اجازه ندارند در عبودیت کسی را با او همراه کنند یا کسی غیر او را بخوانند. چرا که معبودهایی که کافران غیر از خدا برای خود ساخته‌اند مجموعه‌ای از اسامی خیالی و عاری از هرگونه حقیقت بیرونی هستند (یوسف: ۳۹ و ۴۰). یکی از نشان‌های روشن بر همه انواع توحید، اعم از توحید در ذات، توحید در خالقیت، ربوبیت و عبودیت، عبارتست از سلطه او در حیات بخشی به انسان، استمرار بخشیدن به این حیات با ارسال حافظان و مراقبان جان انسان‌ها تا زمان مشخص و سپس اراده رفتن و توفای این جان بدون آن که هیچ موجود دیگری بتواند در تغییر آن اعمال نفوذی داشته باشد (انعام: ۶۱).

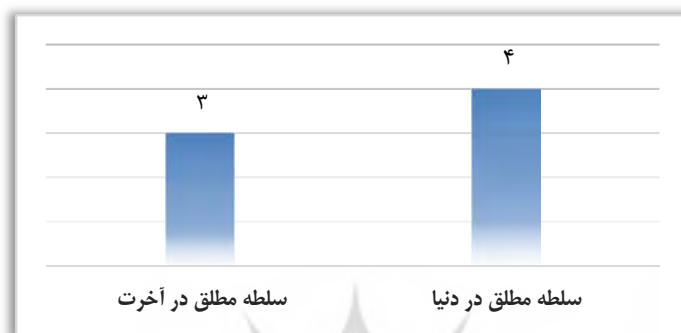
۴-۲-۲. سلطه مطلق در آخرت

خداوند همان‌گونه که در آغاز کردن هستی و احداث و انشاء آن و حیات در دنیا سلطه مطلق داشته است در به پایان رساندن آن و آغاز یک حیات جدید یعنی آخرت و حاضر شدن همگان در پیشگاه او جهت حسابرسی نیز کاملاً قاهر است و اراده، اراده او و مالکیت مطلق آن روز از آن اوست (غافر: ۱۶).

علاوه بر آن سلطه مطلق بر مجازات کافران و منکران و معاندان نیز از آن اوست و هیچ موجود دیگری در این سلطه با او شراکت ندارد (ص: ۶۵). کما اینکه از آیه ۵۵ سوره ص سخن از بازگشت بد طغیانگران و روبروشدن آنها با جهنم و چشیدن انواع عذاب است و مخاصمه اهل آتش با یکدیگر و دستور به پیامبر (ص) برای انذار انسان‌ها از آن است و

این که او تنها ذات شایسته عبودیت است و در صورت پرستش معبودانی جز او عاقبت شر در انتظار انسان‌هاست.

نمودار ۵: مقولات آیات مرتبط با قاهریت



نتیجه گیری

۱. در هر چهار واژه، مهم‌ترین و اولین فراوانی در همنشین‌ها در آیات مرتبط، به واژه الله اختصاص می‌یابد. به این ترتیب که این واژه ۸۴ بار با عزت، ۵۷ بار با قدرت، ۲۲ بار با قوت و ۷ بار با قاهریت همراه شده است. این مطلب نشان می‌دهد که این چهار واژه به عنوان چهار اسم از اسماء الله (عزیز، قدیر، قوی، قهار) توصیف‌کنندگان مناسبی برای ذات خداوند در جهت معرفی قدرت او هستند.

۲. دو مفهوم عزت و قدرت با بیشترین فراوانی به عنوان دو مفهوم کلیدی و دو مفهوم قوت و قاهریت به عنوان دو مفهوم مکمل برای مفهوم کلی قدرت به حساب می‌آید. به این معنا که مفهوم قوت مکمل معنایی مفهوم قدرت است به این معنا که قوت لایتناهی بودن قدرت را توصیف می‌کند و مفهوم قاهریت مکمل معنایی مفهوم عزت است. به این معنا که عزت جهت نفوذناپذیری موجودی در ذات و صفات خداوند و قاهریت نفوذ و سلطه کامل او بر همه موجودات را نشان می‌دهد.

۳. با بررسی مفاهیم چهارگانه می‌توان گفت هر یک از آنها به تبیین بخشی از مفهوم قدرت پرداخته و در کنار یکدیگر این مفهوم اصلی را کامل می‌کنند. عزت؛ نفوذناپذیری، قدرت؛ اختیار در تحقق اراده، قوت؛ توانایی بر انجام کار و بالاتر از آن و قاهریت سلطه مطلق بر زیردستان است. بنابراین می‌توان گفت چهار مؤلفه مهم، شبکه مفهومی قدرت خداوند را در قرآن ایجاد می‌کنند که عبارتند از:

۱- نفوذناپذیری و عدم امکان دخالت موجود دیگر در تحقق اراده او (عزت).

۲- توانایی و اختیار مطلق در تحقق بخشیدن به اراده‌اش (قدرت).

۳- داشتن قدرتی مافوق تصور چرا که هراندازه که از قدرت در مورد خداوند تصور شد او قدرتمندتر از آن تصور است (قوت).

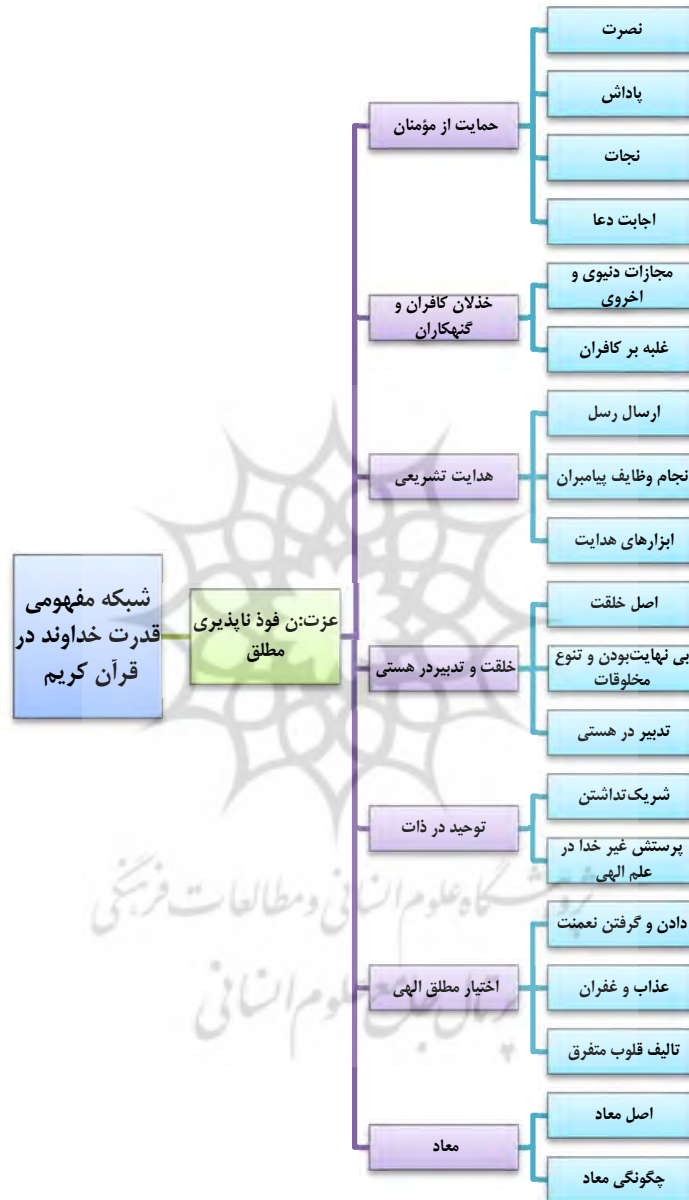
۴. غلبه کامل بر همه مخلوقاتش و عدم امکان خارج شدن هیچ موجودی از سلطه او (قاهریت).

۵. انسانی که با این چهار مؤلفه مهم در قدرت خداوند آگاهی یابد و به آن ایمان و باور پیدا کند، رفتارهایش را متناسب با حقیقت قدرت مطلق الهی تنظیم خواهد کرد. مفاهیمی چون تقوا، توکل و تفویض همه امور به خداوند در او شکل می‌گیرد.

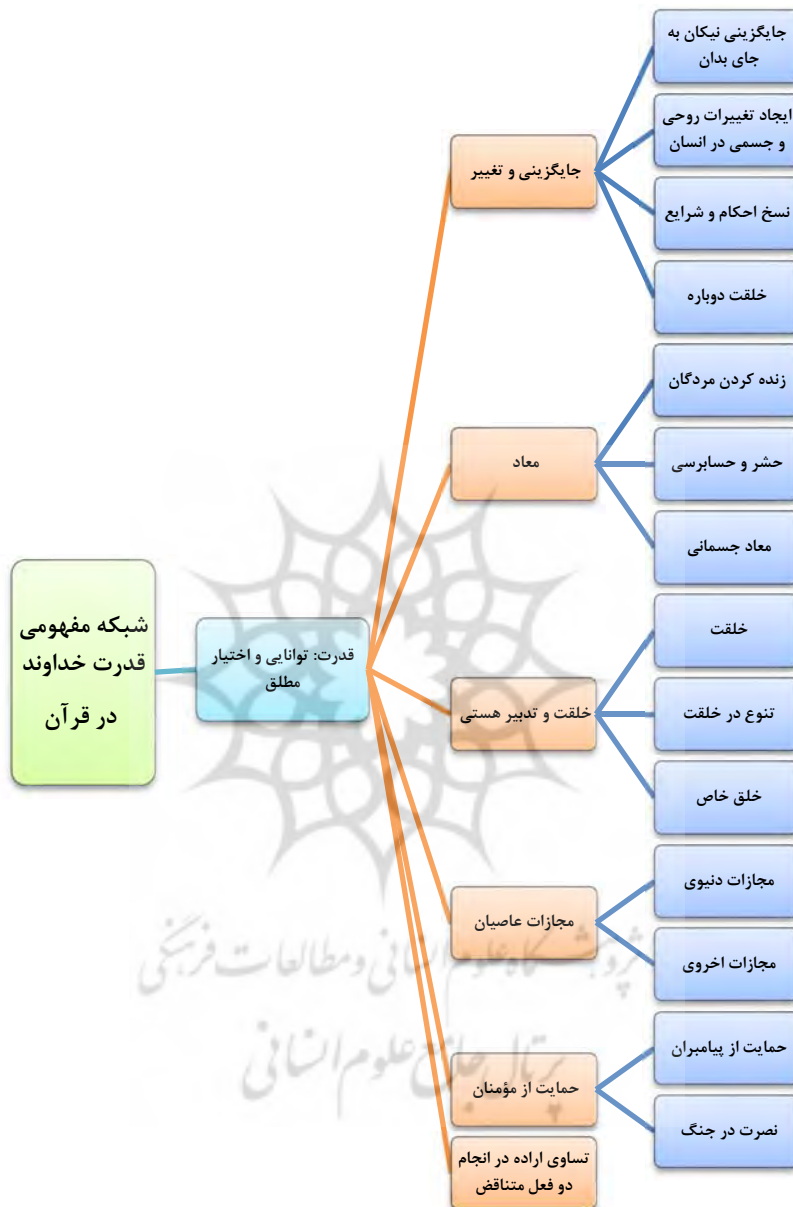
نمودار ۶: شبکه مفهومی قدرت خداوند



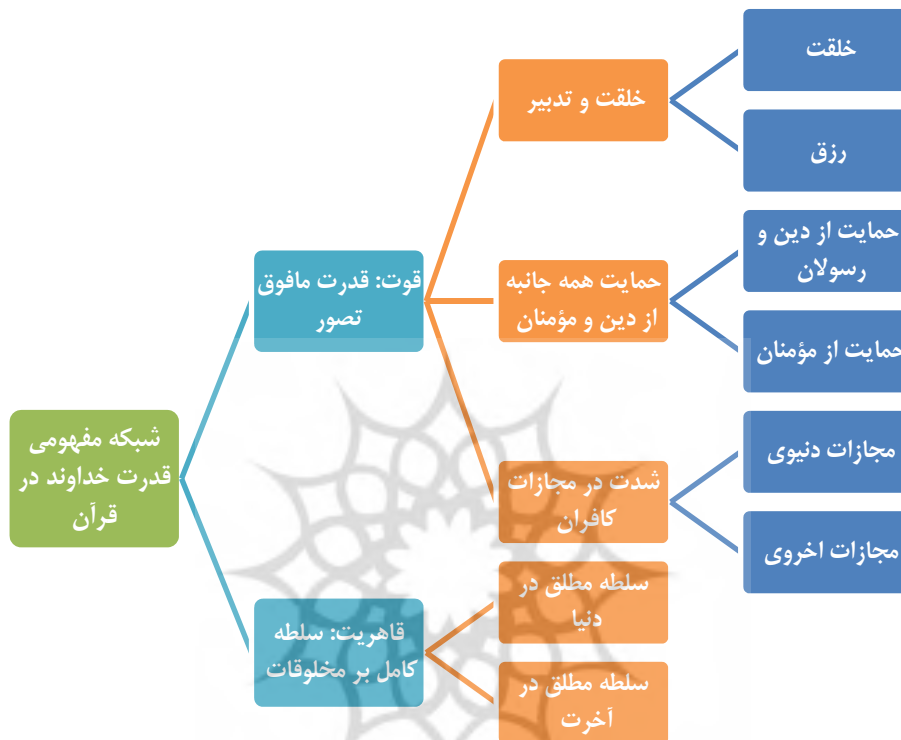
نمودار ۷: شبکه مفهومی قدرت خداوند: عزت (نفوذناپذیری مطلق)



نمودار ۸: شبکه مفهومی قدرت خداوند: قدرت (توانایی و اختیار مطلق)



نمودار ۹: شبکه مفهومی قدرت خداوند: قوت (قدرت مافوق تصور) و قاهریت (سلطه کامل بر مخلوقات)




منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آدینه‌وند، ابوطالب؛ پروینی، خلیل (۱۳۹۷ش)، «بررسی تطبیقی مشروعیت قدرت در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن»، *مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی*، سال ۳، شماره ۵، صص ۳۱-۶۰.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *مقاییس اللغة*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
۵. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۸۹ش)، «روش طرح توحید در قرآن»، *قبسات*، سال ۲، شماره ۵۷، صص ۷۵-۹۴.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت: دارالقلم.
۷. شایسته‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۴ش)، «قدرت مطلق خداوند از منظر قرآن و روایات». *پژوهشنامه معارف قرآنی*، شماره ۲۰، صص ۷-۲۸.
۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، *تفسیر مجمع البیان*، مترجم: حسین نوری همدانی، تهران: فراهانی.
۱۰. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دارالآفاق الجدیدة.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۱۲. فیروزان، توفیق (۱۳۶۰ش)، *روش تحلیل محتوا*، تهران: انتشارات آگاه.
۱۳. کرپندورف، کلوس (۱۳۷۸ش)، *مبانی روش شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه: هوشنگ نائینی، تهران: روش.

۲۱۸ مقاله علمی - پژوهشی: «تحلیل شبکه مفهومی «قدرت خداوند» در قرآن کریم» / میرغفوریان و بشیر

۱۴. لطفی، مهدی (۱۳۹۵ش)، «کاربرد نظریه حوزه معنایی در مطالعات قرآنی»، **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، شماره ۳۱، صص ۱۱۹-۱۳۹.
۱۵. مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

16. Creswell, J.W; V.L. Plano Clark; M.L. Guttmanand. E.Hanson, (2003), *Advanced Mixed Methods Research Design*, InA.
17. Tashakkoriand C, Teddlie (Eds.), *Handbook of Mixed Methodsin Social and Behavioral Research* (pp.209–240), Thousand Oaks, CA: Sage.
18. Tashakkori, A., and C.Teddlie (2003), *Handbook of Mixed Methodsin Social and Behavioral Research*, First Edition, Sage PublicationInc.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Bibliography:

1. The Holy Qur'an.
2. Adinewand, Abutaleb & Parvini, Khalil (2019), "A Comparative Study on Legitimacy of Power Between Al-Mizan and fī Zalal al-Qur'an," Comparative Studies of Qur'anic Research 3(5): 31-60.
3. Askari, Hassan ibn Abdullah (1400 AH), *Al-Furūgh fī al-Lughah*, Beirut: Dar al-Āfāgh al-Jadīdah.
4. Behjatpour, Abdu al-Karim (2011), "The Method of Defining Towheed in The Holy Qur'an," Qabasat 2(57): 75-94.
5. Creswell, J.W; V.L. Plano Clark; M.L. Guttmanand. E. Hanson (2003), *Advanced Mixed Methods Research Design*.
6. Farāhīdī, Khalil ibn Ahmad (1409 AH), *Al-'Ayn*, Qom: Hijrat.
7. Firozan, Tofigh (1982), *Content Analysis Method*, Tehran: Agah Publishing.
8. Ibn Fāris, Ahmad (1404 AH), *Maqāyīs al-Lugha*, Qom: Maktabat 'A'lām al-Islāmī.
9. Ibn Manzūr, Muhammad ibn Mukrim (1414 AH), *Lisān al-Arab*, Beirut: Dar al-Fikr - Dar al-Sādir.
10. Krippendorff, Klaus (2000), *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology*, Persian Translation: Hushang Nai'ni, Tehran: Rawesh.
11. Mostafawī, Hassan (1416 AH), *Al-Tahghīgh fī Kalamāt al-Qura'n al-Karīm*, Tehran: Ministry of Islamic Culture and Guidance.
12. Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muhammad (1412 AH), *Mufradāt Alfāz al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Qalam.
13. Shayeste Nezhad, Ali Akbar (2016), "The Absolut Power of God According to The Holy Qur'an and Narratives," Pažoheshname Ma'aref Qur'ani 20: 7-28.
14. Ṭabarisī, Faḍl ibn Ḥassan (nd), *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an*, Persian Translation: Noori Hamedani, Hossein, Tehran: Farahani.

15. Tabataba'i, Muhammad Hussein (1996), *The Commentary of Al-Mizan*, Persian Translation: Mosavi, Muhammad Bagher, Qom: Islami.
16. Tashakkori, A., and C. Teddlie (۲۰۰۳), *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*, First Edition, Sage Publication Inc.
17. Tashakkori and C. Teddlie (Eds.), *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research* (pp. 209–240), ThousandOaks, CA: Sage.

